



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## چیستی و چرایی تعلیم و تربیت دوره ابتدایی و موانع و مشکلات و راه حل ها

علی رضائی<sup>۱</sup>، رضا غلامی<sup>۲</sup>

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: alirezaei۱۳۷۹۹۰@yahoo.com

### چکیده

این مقاله ابتدا به پیوند میان علم روانشناسی و مقوله فرهنگی تعلیم و تربیت می پردازد و در آخر به این نتیجه می رسد: مجموعه تلاش ها، فرصت ها، اقدامات امکانات و برنامه ها از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفایی سازی توانایی های بالقوه فرد به طور همه جانبه تا رسیدن به ظرفیت حداکثری و کمال است. و از طریق دیدگاه های صاحب نظران علوم فلسفه ادیان و ... را در باره تعلیم و تربیت این عرصه پرداخته و توجه داشته است. سپس به تعیین حیطه و جایگاه این مقوله مهم در علوم انسانی توجه داشته و رابطه میان تعلیم یا همان آموزش را با تربیت یا همان پرورش پرداخته است. در آخر هم به بیان انواع تعلیم و تربیت، موانع، راه حل ها و اهداف آن در مدارس سخن به عمل آمده است.

**کلمات کلیدی:** تعلیم-تربیت - آموزش و پرورش-یادگیری

### مقدمه

برای هریک از ما چه در جایگاه یک انسان به طور اعم و چه در جایگاه یک معلم به طور اخص، همیشه این پرسش مطرح است که "تربیت چیست؟" هریک از ما نیز ممکن است برای این پرسش پاسخی داشته باشیم، اما وقتی فردی درباره پاسخ ها در این مورد کنجکاوی کند و پرسشی از محققان به عمل آورد، آن وقت متوجه می شود پاسخی که به این پرسش ارائه شده است هم چنان هم دقیق نبوده است. بنابراین قبل از هر اقدامی باید با عناصر، اصول، محتوا و اهداف تربیت آشنا شویم تا به تعریف دقیق تربیت دست یابیم.

تعریف در لغت یعنی شناساندن؛ منظور این است که پدیده یا امری یا شیئی را به طور جامع به دیگران بشناسانیم. طوری که گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده دارای درک مشترکی از آن شوند. بنابراین برای این کار ما ناچار باید از کلمات و عبارات مناسب استفاده کنیم. آن ها را طوری با هم ترکیب کنیم که دقیقا ما را به شناسایی مشترک راهنمایی کند. اگر در انتخابات کلمات و ترکیب آن ها دقت نشوند و مفاهیم به درستی مشخص و درک نگردند مسلما تفاهم موردانتظار حاصل نخواهد



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شد. وقتی اشیاء، امور و پدیده ها را تعریف می کنیم ویژگی ها یا خصایص، رفتارها، آثار و علائم آن ها را که موجب تمایزشان از سایرین می شوند بیان می کنیم.

تعلیم و تربیت از دیدگاه روانشناسی:

من اگر خارم اگر گل چمن آرایی هست

که از آن دست که می پروردم می رویم

حضرت حافظ

تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش (education) لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

تعلیم و تربیت فرآیندی پویا و دائمی است.

تعلیم و تربیت ارزشمندترین و گرانبهاترین امور است.

تعلیم و تربیت مسئولیتی عظیم، دشوار، پیچیده و ظریف است

تعلیم و تربیت از نخستین آموزشگاه و پرورشگاه یعنی خانواده به عنوان مقدس ترین نهاد جامعه آغاز می شود.

تعلیم و تربیت علم، فن و هنر از تلفیق هر سه احتمال موفقیت را بالا میبرد

تعلیم و تربیت برنامه‌ای است که توسط معلم و یا مربی می تواند متعلم و متربی را از وضع موجود با مطمئن ترین روش ها به سوی مقاصد عالی هدایت کند.

تعلیم و تربیت نگاهی به گذشته دارد و اکنون را می نگرد و چشم انداز و افق های آینده را در پیش رو دارد.

تعلیم و تربیت عین زندگی است نه تقلید از زندگی

تعلیم و تربیت هم به این دنیا هم به آن دنیا می اندیشد

تعلیم و تربیت همواره به تفاوت های فردی و نیز به شباهت های فردی توجه می کند.

تعلیم و تربیت مشتمل است بر مجموعه تلاش های نامرئی سازمان نیافته و غیررسمی و تلاش های مرعی سازمان یافته و رسمی

تعلیم و تربیت مجموعه تلاش هایی است سنجیده و منظم برای نیل به هدفهای مشخص نه اقدامی از نوع خطا و آزمایش

تعلیم و تربیت برای شناسایی، رشد و شکوفایی توان های بالقوه و نه ایجاد توانها

تعلیم و تربیت تلاشی است برای آموختن راه و رسم زندگی در دنیای کنونی و چگونگی خوب زیستن

تعلیم و تربیت تلاشی است برای ادب کردن و با ادب شدن

تعلیم و تربیت تلاش است برای تاثیر گذاشتن و نفوذ کردن بر متعلم و متربی

تعلیم و تربیت تلاشی است که در فضای عاطفی مطلوب و امن تحقق می یابد.

و تربیت تلاشی است که تدریجی و زمان برونه اقدامی ناگهانی

تعلیم و تربیت تلاشی برای شکل دهی، تقویت و توسعه رفتارهای مطلوب، و از بین بردن، محدود کردن و تضعیف رفتارهای نامطلوب

تعلیم و تربیت تلاشی است مبتنی بر برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی فعالیت های آموزشی و پرورشی.

تعلیم و تربیت تلاشی است مبتنی بر پاسخگویی به نیازهای همه جانبه انسانی

تعلیم و تربیت تلاشی است مبتنی بر ارزش ها هنجارها باورها و اصول اخلاقی.

تعلیم و تربیت تلاشی مبتنی بر هدایت فرایند تاثیر گذاری فرد بر محیط و تأثیر پذیری فرد از محیط

تعلیم و تربیت تلاشی است هدفمند هدف مدار و جهت دار تلاشی است بیشتر از نوع پیشگیری و نه درمان

تعلیم و تربیت تلاشی است که بیشتر و بیشتر به ریشه ها و علت ها می اندیشد معلول ها



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تعلیم و تربیت به دنبال رشد و شکوفایی توان های بالقوه به انسان در تمام ابعاد است  
بیت تلاشی است که با توجه به نیازهای همه جانبه فرد می خواهد او را به رشد همه جانبه برساند  
تعلیم و تربیت به دنبال حفظ و تامین سلامت جسمانی و روانی انسان است  
علیم و تربیت به دنبال آماده سازی فرد برای زندگی در دنیای واقعی است نه به دنبال دنیا ی مصنوعی و گلخانه ای  
تعلیم و تربیت به دنبال مستقل سازی انسان و قادر سازی او برای رفع نیاز هاست بدنبال مصون سازی و مقاوم سازی نسل  
انسان هاست به دنبال هدایت و رهبری انسان را به سوی سعادت و سعادت مند شدن است به دنبال فلاح و رستگاری با تقوا و  
صالح شدن انسان است به دنبال تزکیه و تهذیب نفس انسان است به دنبال پرورش روحیه تعاون جمع گرایی ظلم ستیزی و نوع  
دوستی است به دنبال تعطیل و متناسب سازی انتظار ها با توان های فرد و پذیرش انسان همان گونه که هست می باشد  
تعلیم و تربیت به دنبال فراهم کردن فرصت هایی برای تجربه کردن و داشتن تعامل با محیط است  
علیم و تربیت به فرد یاد می دهد تا خود را بشناسد خود را باور کند و با خودش کنار بیاید به فرد یاد می دهد تا توکلش به  
خدا باشد و قدر نعمت ها را بدانند  
علیم و تربیت به فرد یاد می دهد تا واقع بین باشد و مستقل . مثبتی اندیشد را به فرد یاد می دهد تا خود را با دیگری مقایسه  
نکند بلکه خود را با خود مقایسه کند به فرد یاد می دهد تا مسئولیت اعمال و گفتارش را بپذیرد و علل موفقیت ها و عدم  
موفقیت های خود را بررسی و ارزیابی کند.  
تعلیم و تربیت به این باور است که انسان تربیت شده می تواند انسان را تربیت کند  
علیم و تربیت بر این باور است که هم بدی همفکری و همکاری و هماهنگی کلیه عوامل تعلیم و تربیتی شرط اساسی موفقیت  
است.  
تعلیم و تربیت بر این باور است که کسی که هدف ها را می شناخت و هدف ما را از قادر است و روش و وسیله ی مناسب و  
شایسته را به کار بگیرد.  
تعلیم و تربیت به دنبال پرورش انسان هایی کامل، رشید، سالم، آگاه، عالم، مستقل، متعادل، متعهد، مسئول، مومن، مختار،  
آزاده، قدرشناس، شاکر، مجاهد، نیک اندیش، تلاشگر، بلندنظر، شجاع، عادل، نوع دوست مهربان، صبور، قانع و مقاوم است.  
سخن آخر اینکه تعلیم و تربیت به نظر اینجانب عبارت است از مجموعه تلاش ها، فرصت ها، اقدامات امکانات و برنامه ها از بدو  
انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفایی سازی توانایی های بالقوه فرد به طور همه جانبه تا رسیدن به ظرفیت  
حداکثری و کمال است.

تعلیم و تربیت از دید گاه صاحب نظران:

تعلیم و تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یاشکوفای ساختن شخص در جهت رشد و  
تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب و بر اساس برنامه ای سنجیده شده.  
با توجه به این که در مورد تعریف تعلیم و تربیت گذشته از تعریف یاد شده، نظریه های گوناگونی ارائه شده است، جهت آشنایی  
بیشتر خوانندگان، تعریف آن را از زبان چند صاحب نظر این علم (یا فن) بیان می داریم. بدیهی است که این صاحب نظران باتو  
جه به دیدگاه خاص خود به تعریف موضوع پرداخته اند:

۱\_ افلاطون (۴۲۷-۳۴۶ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعداد های طبیعی و شکوفای ساختن آنها .)

۲\_ ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت مجموعه ای از اعمال است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل  
اخلاقی و مدنی در افراد صورت می گیرد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳\_ فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله ی فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه ی فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت

۵\_ یوعلی سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳-۴۲۸ ه. ق) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شؤون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی).

۶\_ از آرای تربیتی غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه. ق) استفاده می شود که تعلیم و تربیت در دیدگاه ایشان عبارت است از نوعی تدبیر نفس و باطن از طریق اعتدال بخشی تدریجی به قوا و تمایلات به وسیله ی معرفت، ریاضت و استمرار، برای نیل به انس و قرب الهی.

۷- در دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند. از همین جامع معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادهای در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع.

موضوع تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت، به هر شکل که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجاد ویژگی ها و خصوصیات است که در متری به عنوان یک انسان صورت می گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است.

لازمه ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعدادهای انسان است، و به گفته ی بعضی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که در خور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است.

از این رو، در آغاز کتب اخلاق از قبیل تهذیب الاخلاق، اخلاق ناصری، جامع السعادات و معراج السعاده موضوع معرفت نفس یا تجرّد نفس و قوای نفسانی مطرح گردیده است.

البته بحث گسترده در مورد اثبات نفس و تجرّد آن در حکمت نظری یا فلسفه صورت می گیرد، و در علم اخلاق به عنوان مبادی و اصول مورد پذیرش واقع می شود.

به طور کلی محور تعلیم و تربیت، روح و روان آدمیان است؛ چنان که جسم و ساز و کار آن در حیطه ی کار پزشکان است. هر چند بحث مبسوط درباره ی انسان در این مختصر نمی گنجد، ولی لازم است خطوط کلی انسان شناسی در ارتباط با تعلیم و تربیت را به اختصار و فهرست وار یادآور شویم. این خطوط کلی عبارتند از:

- ۱- انسان، مرکب است از روح و بدن و سر و عن.
- ۲- اصالت از آن روح آدمی است و روح، مجرد و مرتبط با عالم قدس است.
- ۳- میان جسم و روح آدمی، روابط مستحکمی وجود دارد.
- ۴- روح دارای قوای اصلی ادراکی، تمایلی، آزادی، توانایی و تحریکی است.
- ۵- انسان در همه ابعاد، در آغاز «استعداد» و «قوه» است و قابلیت رشد و فعلیت دارد.
- ۶- موضوع تعلیم و تربیت، روح انسان است از آن نظر که دارای استعداد و قوه است و باید به فعلیت مطلوب برسد و بدن هم نقش «اعدادی» دارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۷- جهان بینی ها و انسان شناسی ها، در ایدئولوژی، اخلاق و تعلیم و تربیت، تأثیر مهم و منطقی و نقش تامی دارند.  
۸- در جهان بینی و انسان شناسی اسلام، کمال اصلی انسان «تقرب به حق» است و نیز میان دنیا و آخرت رابطه ای برقرار است که باید در همه ی شؤون منظور شود

## رابطه ی تعلیم و تربیت

چنان که می دانیم کلمه ی تعلیم به معنی آموزش، و کلمه ی تربیت به معنی پرورش است و در گذشته به جای «آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت» به کار می رفت.  
در مورد این که آیا این دو واژه یک مفهوم و معنی را می رسانند یا آن که هر کدام برعمل خاصی اطلاق می شوند و از یکدیگر جدا هستند، اختلاف است. معمولا در نظر عامه ی مردم این دو واژه از هم جدا هستند و هر یک بر عمل خاصی اطلاق می شوند: تعلیم یا آموزش به یاد دادن موضوع ها و مهارت های خاص به دانش آموزان و دانشجویان گفته می شود، مانند آموزش ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی، و تربیت یا پرورش، به آموزش های دینی و اخلاقی و انسان بارآوردن دانش آموزان و دانشجویان؛ ولی در روان شناسی اعتقاد بر این است که هر عملی که از انسان سر می زند به کل وجودش مربوط است و هر گونه تفکیک و جدایی در رفتار انسان، یک امر ذهنی یا تصویری است که با وجود واقعی انسان همخوانی ندارد.  
هیچ یک از اعمال و رفتار و حرکات انسان را نمی توان یافت که با کل وجود او ارتباط نداشته باشد. در قرآن کریم نیز همیشه کل وجود انسان، مخاطب قرار گرفته است و خداوند او را به صورت یک کل یا واحد، مسؤول قرار داده است، اگر چه برای تعبیر از این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل: بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است.  
مربی یک کار بیشتر انجام نمی دهد و آن کمک به پیدایش «تغییر رفتار» در دانش آموز(یا مربی) است؛ اگر چه این عمل او را ممکن است با دو کلمه تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) تعبیر کرد.  
از سوی دیگر با نگرش دقیق در تعریف تربیت، می توان دریافت که تربیت هم مستلزم نوعی تعلیم است و مربی باید مربی را با حقایقی آشنا کند تا مربی با عمل به آن ها به رشد و پرورش ابعاد مختلف روحی و معنوی خود بپردازد. بدین جهت می توان گفت که تعلیم، شرط لازم تربیت است.  
در قرآن کریم هر جا سخن از رسالت خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) به میان آمده، تلاوت، تزکیه و تعلیم در کنار هم قرار گرفته و جز در یک مورد یعنی دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سایر موارد، تزکیه بر تعلیم مقدم گردیده است. تقدم تزکیه بر تعلیم، تقدم رتبی است نه زمانی؛ بدین معنی که تربیت و تهذیب و تزکیه ی نفس، نسبت به آموزش های فکری و ذهنی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

## انواع تعلیم و تربیت

تربیت سنتی : در این نوع تربیت به علت بکر و دست نخورده بودن محیط خانوادگی اغلب فرزندان ساده و بی آلیش و کم توقع رشد می کنند آنها همان چیزی را می آموزند که والدین به آنها آموخته اند. محیط های روستایی و شهرهای کوچک مبین این گونه تربیت هستند زندگی بی پیرایه و زحمت فوق العاده والدین روحیه صبر و انعطاف پذیری و قدرت را در آنها تقویت می کند سنت بر سراسر زندگی آنها حاکم است. مراسم ها و مناسبت ها را به دقت برگزار می کنند و در برخورد با دیگران کمال ادب و احترام و فروتنی را رعایت می کنند. این نوع خانواده ها بدون این که تالش برای تربیت فرزندان خود بروز دهند با رفتار و منش خود آنها را تربیت می کنند هر چند این نوع تعلیم و تربیت خالی از عیب و نقص نیست اما محاسن آن بیشتر از معایب آن است. از جمله محاسن این نوع تعلیم و تربیت این است که: اولاً: سنت ها و آداب و رسوم خانواده همان طور که بوده به نسل بعدی منتقل می شود. ثانیاً: کودکان از تربیت سالم و خوبی برخوردار می شوند میزان جرم و جنایت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نیز در جامعه های سنتی کمتر است . ثالثاً : موفقیت در فعالیت آبا و اجدادی آنها را افرادی ماهر در حرفه و شغل خود بار می آورد . اما از معایب این نوع تعلیم و تربیت می توان به موارد زیر اشاره کرد : اول : در این نوع جوامع تربیت محصور به محیط کوچکی است و از دایره ای تعیین شده توسط والدین فراتر نمی رود . دوما : کودکان به علت جو عاطفی از دایره محدود و معین فراتر نمی روند گاه استعداد های خالق شکفته نمی شود . در چند سال اخیر که ارتباطات روستایی و شهری بیشتر شده است ما شاهد پیشرفت علمی دانش آموزان روستایی در حد وسیع و غیر قابل باور هستیم . سوماً : آنچه تهدید بزرگی محسوب می شود روحیه ساده لوحانه آنهاست که وقتی وارد محیط های بزرگ می شوند اغلب طعمه افراد شیاد جوامع بزرگ شده و جز سرنوشت دهشتناک نصیبی نمی برند . سخن دیگر در مورد این نوع تعلیم و تربیت که نباید دامنه آن را فقط در روستاها جستجو کرد که گاه در شهرهای بزرگ و خانواده های معتبر و اصیل آنچنان سنتها حکمفرما می شود که عدم اجرای تعلیم و تربیت خانواده حتی در یک زمینه خاص باعث کدورتی عمیق می شود و تمامی حرمت ها و روابط را تحت الشعاع قرار می دهد کم نیستند شهرنشینانی که تفکر کوتاه نظرانه آنها باعث شده است نسل بعدی آنها فقط کورکورانه به راهی رفته اند که با کمی کنکاش اصل آن را در صدها سال قبل می یابیم . جوامع آسیایی - آفریقایی مبین این گونه تعلیم و تربیت و فرهنگ می باشند

فرهنگ دینی: انسان از لحظه ای که بر روی زمین خاکی پا نهاد مورد تعلیم و پرورش باریتعالی قرار گرفت حتی آن دمی که قابیل مستأصل و درمانده به دنبال راه حلی برای پنهان نمودن اولین جنایت نسل بشر بود مورد تعلیم قرار گرفت و توسط دو کالغ آموخت که چگونه جسد برادر مقتول خویش را دفن نماید . لذا باید بپذیریم که تعلیم و تربیت دینی نشأت گرفته از روح الهی است و چون مبنای خداوندی دارد موفق ترین نوع تعلیم و تربیت است یکی از راه های جلب و جذب نوجوانان و جوانان به دینداری - رعایت اصول اخلاقی توسط اولیاو مربیان است چه بسا ، ما کودکان خود را به دینداری تشویق نموده و بر این اصرار ورزیم که بچه های متدین داشته باشیم اگر این موضوع در رفتار ما تجلی پیدا نکند مانند کفی است بر روی آب که هیچ ثمری ندارد و گاه نتیجه ای منفی نیز دارد چرا که وقتی قول و عمل یکسان نباشد ناخواسته آنها را به پنهان گری وامیداریم دختری که پدر و مادر و یا معلمین او اصرار دارند که حجاب اسالمی را رعایت کنند اگر کوچکترین ضعفی در این مورد از معلم خود یا مادرش ببیند این گمان در ذهنش متبلور می شود که ظاهر را حفظ کند حال در باطن هر طور که باشد مهم نیست . تعلیم و تربیت دینی با قلب و روح نونهال و نوجوانان سروکار دارد و در پی تغییرات روحی و قلبی در وجود آنهاست محبت و صمیمیت اولین قدم برای جذب نوجوانان به دین و مذهب است و هرگز خشونت نمی تواند کارگشا بوده و آنها را وادار نماید افرادی مذهبی بار بیابند . فرزندان چون آینه صادقی رفتار والدین خود را منعکس می کنند و هرگاه کسی آنان را به نقصشان واقف کند ممکن است با غرور خاصی آن را ناشی از خصایص نژادی و از خصوصیات خانوادگی خود بدانند . توجه به احساسات و گرایشات مذهبی به عنوان واقعیتی که در درون آدمی ریشه دارد و از روان او نشأت می گیرد امری است که دست اندرکاران تعلیم و تربیت مکرر آن را بیان کرده اند . افالطون در این باره می گوید : کفایت نمی کرد که ما کودکان خود را در مقابل هر چیز که دامن پاک آنها را آلوده می سازد رها سازیم و کافی نیست که عقول آنها را با نور علم روشن و با اندررها برای فضیلت آماده سازیم بلکه بالتر از این ها باید در دلهای آنان اصول دین را که طبیعت در نهاد آنان به ودیعت نهاده است بپردازیم . دکتر شریعتی در این زمینه می گوید : مذهب رابطه بسیار نزدیکی با نیازهای درونی انسان داشته و زاینده شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی نبوده است . آلبرت انیشتن در این زمینه می گوید : مهمترین وظیفه هنرمندان و علماء است که حس دینی را برانگیزند و آن را در وجود آنها که صالحیت دارند زنده نگه دارند . حضرت علی (ع) می فرماید : کودکان خود را با آداب و سنن زمان خود تربیت نکنید چرا که آنها برای زمان شما ساخته نشده اند بلکه متعلق به زمان دیگری هستند ما در تعلیم و تربیت نسل پیش رو دچار نقایص فراوانی هستیم زیرا محتوی آموزشی به خصوص در حیطه تربیت اجتماعی و دینی با رعایت نیازها و خصوصیات دانش آموزان چندان مطابقت ندارد و فقط تغییرات لفظی و نه عملی ، آن هم فقط در صورت کالمی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش آموزان تربیت دینی می شود و هرگز درصدد تسخیر روح بلند پرواز نسل جوان و نوجوان بر نمی آید و گاهی اوقات به نوعی ابراز سلب آسایش دانش آموزان مبدل می گردد و در این فلسفه تربیتی به تدریج نگرش دانش آموزان را نسبت به نظام آموزشی به ویژه تربیت دینی متأثر - گریزان - سرگردان و سرانجام آنها را برای روی آوری فرهنگ بیگانه و آسیب پذیری فرهنگی مهیا می کند. از دیگر ارکان تربیت دینی خانواده است و آیات قرآنی مؤید این مطلب است که خانواده مؤثرترین گروه اولیه است که در تکوین شخصیت نوجوان نقش بسیار مؤثری ایفا می کند. خداوند بخشنده است و خانواده نیز باید به رحمت و بخشش و گذشت اداره شود خداوند علیم است و خانواده نیز باید با معرفت و آگاهی ادامه پیدا کند هر یک از صفات الهی باید به نوعی در نهاد مقدس خانواده جلوه گر شود اگر چنین چیزی تحقق پیدا کند خانواده فرزندان الهی با ویژگی های رحمانی و انسانی تربیت خواهد کرد و در غیر این صورت، افراد مطلوب پرورش نخواهد یافت و دلیل اصلی این تأثیر پذیری، الگو بودن پدر و مادر برای فرزندان است.

تعلیم و تربیت اجتماعی: اینک بحث را به جامعه بازتر می کشانیم، جوامع بشری آنقدر گسترده شده اند که می طلبد کاری نو بر روی کودکان و نوجوانان را بحث سنت و دین اگر با هم ادغام شوند می توانند کاری تربیتی بس شگرف بر روی جوانان انجام دهند چرا که دین کامل ترین نوع تربیت را دربردارد و هرگاه اصالت نیز همراه آن باشد نسلی موفق و آینده ساز را رهبری نماید. با مثال ساده مطلب را بیان می کنیم. جامعه ایرانی از قدیم الایام جوانانی شجاع و بی باک داشته که به پهلوانی و دلیری معروف و بنام بوده اند حال این جوانان که در رخوت و سستی و ابتذال فرو رفته بودند با شروع انقلاب اسلامی و دمیدن روح مذهب در کالبد آنها نیروهای بالقوه شان به قوای بالفعل مبدل شد و هنر هشت سال دفاع مقدس را رقم زد در حالیکه اگر همین جنگ در زمان طاغوت اتفاق می افتاد شاید به دلیل عدم شور و روحیه مذهبی نشأت گرفته از مکتب حسین (ع) هرگز نمی توانستند این گونه سرفراز از بوته آزمایش بیرون آیند. در حالی که اگر هر خانواده به تنهایی می خواست جوانی را تربیت کند سالیان متممادی طول می کشید در حالی که ثمری نیز نداشت اما اجتماع توانست در کوتاهترین زمان ممکن بیشترین تعلیم و تربیت را به آنها ارزانی نماید. نقش بزرگان جامعه را نمی توان در زمینه تعلیم و تربیت نادیده گرفت به همین خاطر است که در حدیثی می فرمایند: کسی که بنیانگذار خوبی باشد تا قیامت ثواب انجام آن توسط انسانهای دیگر برای اوست و همچنین کسی که سنتی غلط و نادرست را رواج دهد تا قیامت لعن و نفرین آن عمل برای اوست. در جوامع غربی نوع تعلیم و تربیت وابسته به منافع مادی و استثمار سران آن کشورهاست، چرا اکنون که فرهنگ های غلط و نامناسب به اسم آزادی نه تنها رواج یافته است بلکه به گونه ای مطلوب این جوامع شده است. هر روز شاهد اخباری مبنی بر هزاران جرم و جنایت در جوامع کوچک و بزرگ هستیم که اغلب کودکان ما در حاشیه این جنایات یا تماشگر هستند یا خود فدای جنایات و اینها تأثیرات کوتاه مدت و دراز مدت خود را بر روح و جسم آنها خواهد نهاد. زیرا با قدرت طلبی سران این جوامع ارتباط تنگاتنگ دارد. اکنون کار علمای تعلیم و تربیت بسیار دشوارتر و سنگین تر از قبل است چرا که آنها مانند بنایی هستند که دیواری را به زحمت بال می برند و از سوی دیگر افرادی آن را خراب می کنند. تالش آنها برای دوباره ساختن و باز هم ساختن تا چه حد نتیجه خواهد داد؟ این اصل را که قرآن می فرماید: اللسان حریص علی ما منع، انسان نسبت به آنچه از او منع می شود حریص تر است را نباید فراموش کنیم هرچقدر مربیان و والدین کودکان را از نزدیکی به فرهنگ و تعلیمات بیگانه دور کنند بنابر اصل بال و کنجکاوای ذاتی آنها که گرایش بیشتری پیدا می کنند پس بر ماست که با جذب کردن برنامه های تربیتی، فرهنگی خود نه تنها گامهایمان را به بیگانگان برسانیم که سعی کنیم همیشه چند قدم از آنها جلوتر باشیم و این نیاز به وقت و صرف هزینه و تربیت مربیانی کارآموده با فن بیان بال و تعهد کاری دارد. اینک که وسایل ارتباط جمعی گسترش همگانی یافته و تعلیم و تربیت اجتماعی دستخوش تحولاتی شگرف گشته است، نباید انکار کرد که نوجوان ما دیگر به صدا و سیما بسنده نمی کند روح سیری ناپذیر آنها تشنه کشف و دانستن است و این میسر نیست مگر با تقویت وسایل ارتباط جمعی و غنی سازی منابع موجود هرچند باید نظارت الزم را نیز دربر داشته باشد. متأسفانه درصدی بال از نوجوانان و جوانان در جامعه



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کنونی ما بعزت رفاه زدگی یا بالعکس فقرزدگی احساس پوچی می کنند و همانها هستند که یا به اعتیاد روی می آورند یا عاملانی برای اشاعه فساد می شوند حال که زنگ های خطر برای نسل آینده بصدا درآمده است بر متولیان امور تعلیم و تربیت است که با جدیت سعی در بال بردن روحیه نظم - خداپرستی و وظیفه شناسی در قبال مسائلی موجود در جامعه و جوانان نمایند هرگاه خود دریابیم که در امور تعلیم و تربیت مسئولیتی عظیم - دشوار پیچیده و ظریف بعهدہ داریم می توانیم در امور فوق موفق و سربلند باشیم.

تعلیم و تربیت جهانی: در این نوع تعلیم و تربیت هم جنبه مثبت وجود دارد و هم جنبه های منفی. اگر بر علمای تعلیم و تربیت برای کلیه کودکان جهان برنامه خاصی را تدوین نمایند که بر اساس آن بتوانیم کودکانی در حد استاندارد جهانی داشته باشیم یک موفقیت بزرگ جهانی محسوب می شود. اما باید در نظر داشت چه کسانی با چه نوع دیدگاه ها و فرهنگ ها و مذهبی این برنامه را آماده می کنند، از آن جایی که قدرتهای بزرگ سیاسی و اقتصادی جهان در واقع خود را صاحب اختیار کل جهان می دانند مسلماً تمامی منافع خود را در این زمینه در نظر قرار می دهند چنانکه اکنون شاهد این هستیم که به هر ترتیب شده آنها طالب نفوذ در فرهنگ ملت ها می باشند. هدف آنها از صادرات منابع ارتباط جمعی مانند تلویزیون - ماهواره - رایانه و انواع وسایل مدرن بصورت ارزان قیمت به کشورهای جهان سوم چه مفهومی جزء اختلال در سیستم تربیتی این کشورها دارد. بعنوان مثال اولین عملکرد کشورهای متجاوز در عراق و افغانستان رسوخ در تربیت و تعلیم این کشورها بر نسل جوانشان بوده است. شنیده ها حاکی از آن است کیف های حاوی سی دی های مبتذل و البته دالره های آمریکایی بطور اهدایی به درب منازل مردم عراق و افغانستان برده می شد. همچنین کشورهای آفریقایی که از کوچکترین امکانات رفاهی بی بهره هستند از جدیدترین سیستم های اینترنت و دیگر وسایل ارتباطی بهره مند هستند اگر بیگانگان به فکر این مردم هستند می توانند ابتدا لباس و پوشاک آنها را تامین کنند اما اهداف دراز مدت و پنهان استعمارگران خواهان اشاعه فرهنگ بیگانه در میان ملت هاست. آنها معتقدند در صورتی که نسل جوان جامعه ای مسخ شوند آن جامعه در بستر در اختیار آنهاست و می توانند به راحتی منافع اقتصادی خود را از این کشورها بهره برداری نمایند. اکنون در کشور اسلامی ما که پشت به همه قدرت های جهانی نموده است تفکرات غربی در حال رسوخ و نشو و نماست و این نشانه ای از خطر بزرگی است که نسل جوان ما را تهدید می کند تربیت بزرگان ما اصیل و دست نخورده است و با ورود فرهنگ های بیگانه این اصالت پایداری خود را از دست می دهد. البته ناگفته نماند منظور از فرهنگ غربی قسمتی است که با فساد اخلاقی و فرهنگ زدایی سروکار دارد و ما می توانیم قسمت های مفید را از پیشرفت های فرهنگی غربی پذیرفته و آن را در تعلیم و تربیت بکار بندیم. دانشمندان غربی از نظر علم و تکنولوژی قدم های بزرگی برداشته اند و این بر کسی پوشیده نیست و کمبود امکانات در کشورهای جهان سوم باعث جذب دانشمندان و جوانان مستعد در روح و جسم آنهاست این است که در تعلیم و تربیت باید به گونه ای عمل نمود که پابرجا و استوار در وجود انسان باقی بماند و با تلقینات ناصواب متزلزل نگردد. تعلیم و تربیت اجتماعی وجوه اشتراک مردم جهان را باید در نظر بگیرد و اصول کلی را بیان نماید و این میسر نمی گردد مگر این که تربیت نوجوانان آن قدر عمیق باشد که تأثیر زرق و برق بیگانه نتواند آن را مانند نهالی بلرزاند او در سنین نوجوانی از بسیاری از جهات از جمله از جهت عاطفی و اجتماعی دگرگونی های چشمگیری پیدا می کند. اطاعت پذیری و دنبال روی او از پدر و مادر به تدریج کاهش می یابد و می خواهد مستقل تر عمل کند، از طرفی در این سن و سال حواسی جمع و متمرکز بر روی مسائل و رفتارهای خود ندارد و همین امر سبب می شود اعمالش بدون فکر انجام شود و سریع جذب افکار به ظاهر شیرین فرهنگ های بی هویت گردد. در تعلیم و تربیت جهانی که اکنون توسط دانشمندان بزرگ ارائه می شود از کودکی بایدها و نبایدها را متذکر می شود و مراقبت در پرورش کودک آن قدر شدید است که اگر ادامه یابد ما هیچ گونه کمبود تربیتی احساس نخواهیم کرد. اما متأسفانه وقتی کودک به سن هفت الی ده سالگی می رسد او را رها می کنند دیگر توجه نمی کنند که رسانه های مبتذل تمامی سعی و تالش آنها را بر باد می دهد پس باید چاره ای جهانی اندیشید برای تربیتی جهانی که کودک معصوم ما معصومانه نیز رشد کند و





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جوانی پرشور و مژمر ثمر گردد. نظام تعلیم و تربیت نوجوانان باید برای مشارکت اجتماعی، آنان برنامه هایی پر بار، جاذب و سازنده تدارک ببینند. مر بیان باید با نظارت بر فعالیت های اجتماعی نوجوانان مشکلات آنان را در این مسیر شناسایی کنند و از طریق راهنمایی هایی جمعی و انفرادی به برطرف کردن آن مشکلات اهتمام ورزند. انجام چنین کارهایی عالوه بر داشتن دیدگاه تربیتی مناسب در این زمینه مستلزم طراحی های تربیتی برای فعالیت های جهانی است.

. موانع تعلیم و تربیت صحیح:

وابسته سازی: می دانیم که وابستگی مانع تربیت است و به مفهوم واقعی تربیت کردن یعنی رها کردن آدمی از بسته ها و وابستگی ها و آشنا ساختن او با قدرتی است که او دارد. فرد تربیت شده کسی است که بداند و بتواند با عقل خود نیروهای شبه حیوانی طبیعتش را با هدایت آنها به نقطه کمالش مورد استفاده قرار دهد اما انسانی که از خود آزاد نشده به دیگری وابسته می شود انسانی که از درون باز نشده است دنیای برون را بر خود می بندد و زمانی که آزادی او از بیرون مسدود می شود وابسته می گردد. شاهد متعددی نشان داده است که ممکن است افراد از نظر تحصیلات دانشگاهی، تخصص های علمی در حد بسیار بالایی باشند اما از نظر رشد عاطفی و رفتاری در حد وابستگی دهانی باقی مانده باشند. از نظر هابر آن چه از آزادی فهمیده می شود نبود ۷۰ موانع خارجی است که امکان دارد بخشی از توانایی فرد را برای انجام آن چه می خواهد انجام دهد تحلیل برد. ژان ژاک روسو معتقد است که آزادی از اراده عمومی نشأت می گیرد. هگل معتقد است که آزادی تبعیت از قانون است. جان استوارت بیل آزادی واقعی را برآورده شدن منافع خود از راه مورد نظر خود می داند بدون آنکه دیگران از منافعشان محروم یا مانع دست یابی آنان به منافعشان شود. در پایان این بحث باید بگوییم در صورتی وابستگی مانع تربیت است که یک وابستگی تحمیلی - رشد نیافته، کورکورانه و اجباری باشد و گرنه دلبستگی و پیوند جویی با دیگران یک نیاز بهنجار و طبیعی در مراحل مختلف تحول روانی کودک مطرح است و قطعاً بدون این وابستگی ها حیات کودک در خطر قرار می گیرد و از همین وابستگی ها و پیوندجویی های مداوم با دیگران است که آدمی خود را و جهان پیرامون را کشف می کند. آلن مری بزرگ فرانسوی می گوید: هدف تربیت رها ساختن از خود، از بند هیجانات و رسم عادت است و به هیچ وجه هدف تغییر طبایع نیست

عادت: عادت عاملی بازدارنده در تربیت فعال و ترک عادت موجب سلامت است البته باید متذکر شد که منظور ما از مفهوم عادت آن دسته از رفتارها و اعمالی است که فرد بر اثر تکرار، آن رفتارها را بدون اندیشه و تفکر و تأمل انجام می دهد هر چند پدران و مادران از ایجاد عادت در فرزندان خود پرهیز می کنند. مالک و معیارهایی که کانت ارائه می دهد از تعریف او از انسان تربیت شده ناشی می گردد او معتقد است انسان تربیت شده انسانی است که از سر اراده و مبتنی بر حس تکلیف، عمل خویش را انجام دهد. جان دیویی فیلسوف بزرگ آمریکایی مسأله عادت و تربیت را رودرروی هم قرار می دهد و معتقد است عادت با تربیت در تناقض است زیرا هر فعل تربیتی باید مبتنی بر عقل و استدلال منطقی باشد و احساسات و عواطف در کنترل عقل قرار گیرد. در این مورد می توانیم حقیقت دین را نیز مالک قرار دهیم که حقیقت دین جزء ترک عادت پرستی نیست عادت و عادت پرستی از جمله موانع نهضت انبیاء در طول تاریخ تکامل بشری بوده است در رسالت پیامبران و ماموریت الهی انبیاء چیزی جزء مبارزه با عادت پرستی نبوده است. اما دانشمندان غربی که در اکثر موارد با دین در تضاد هستند در این مورد نیز نظر دین را نقض می کنند. برای مثال اتوکالن برگ روانشناس معروف « تربیت را با رویکرد کسب عادت تعریف می کند و معتقد است: تربیت عبارت است از توانایی ها و عادت هایی است که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب کرده است. واردن معتقد است: تربیت متضمن کسب رفتارهایی است که از طریق نسل گذشته به نسل جدید انتقال می یابد به نحوی که برای گروهی از آنان عادت گردد و میان آنان مشترک باشد در هر حال از موانع تربیت عادت است که مانع پویایی - فعالیت - خالقیت می باشد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

راه حل هایی برای مقابله با موانع تعلیم و تربیت

۱-تکریم نوجوانان و جوانان: یکی از اصول تعلیم و تربیت تقید به ارزشها و اصول اخلاقی و معنوی است که باید در میان همه ی قشرهای جامعه به خصوص اولیاء - مربیان و کارگزاران جامعه در سطوح مختلف مورد توجه و عمل باشد. در خانه می بایست اولیا با کالم و رفتارشان در شرایط و موقعیت های گوناگون حریم مقدس ارزشها را برای فرزندان خود ترسیم کنند و این کار جزء با تکریم مقابل و حساسیت و دقت در کاربرد الفاظ و کالم و جلوه های مطلوب و پسندیده ی رفتارهای فردی و جمعی مقدور و میسر نیست. در فضای مدرسه نیز همه ی مربیان باید انتقال ارزش های متعالی اخلاقی و فرهنگی به کودکان و نوجوانان را مقدم بر دانش افزایی مهارت آموزشی بدانند، بدیهی است که می باید دست اندرکاران اداره ی مدرسه به مثابه ی الگوهای مطلوب اجتماعی اصلی ترین رسالت خود را تربیت اخلاقی و رفتاری نوجوانان بدانند و همواره با این نیت با بچه ها سخن گویند طوری رفتار کنند که گویی در حال ارائه و عرضه بهترین الگوی سخن گفتن، مطلوب ترین ارتباط کالمی و مؤثرترین تعامل بین فردی و روابط اجتماعی اند. به یقین نتیجه حاصل از چنین اندیشه و نیت خالصانه و رفتار صواب چیزی جز تکریم شخصیت کودکان و نوجوانان تقویت احساس خود و ارزشمندی در آنان و بالطبع پیشگیری از آسیب پذیری های اجتماعی نخواهد بود. این احساس تکریم، علاوه بر افزایش میزان اعتماد به نفس و شکل گیری خود پنداری مثبت در آنان، مستعدترین شرایط را برای یادگیری و تقید به ارزشها و پرهیز از زشتی ها، کجروی ها فراهم کند. در جامعه هم انتظار این است که همه ی کسانی که با نوجوانان و جوانان سروکار دارند لحظه ای از تکریم شخصیت ایشان غافل نمانند.

۲. رشد حس هویت شخصی: خود عامل مهمی برای دستیابی به مفهوم وجود دیگران به عنوان افرادی مستقل به شمار می آید برای شکل گیری روابط موفق که کودک می بایست دارای حس روشنی از مفهوم خود به عنوان فردی مستقل از دیگران باشد و این نکته را درک کند که افراد دیگر نیز از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار هستند. برخانواده و مربیان و سردمداران جامعه الزم است که در رشد این حس به نوجوانان کمک کنند و وسایل تسریع در شناخت هویت شخصی را فراهم سازند. تحقیر و تنبیه بدنی ضربه را به هویت کودکان و نوجوانان وارد می سازد و آگاهی سازی فرهنگی در این راستا می طلبد همکاری همه ی آنهايي که با نسل جوان سروکار دارند.

تعلیم و تربیت چه چیز نیست؟

مباحثی را که گذراندیم همه در باره ی این موضوع بود که تربیت چیست؟ اما اگر بدانیم که تربیت چه چیز نیست شاید از رویکرد سلبي و نفی کننده معنی آن برجسته تر گردد در واقع تربیت انسان که عام مردم می پندارند رام کردن - کنترل کردن، محدود ساختن، هم رنگ کردن و سازگار کردن نیست. تنبیه و تشویق نیست تادبی کردن و اهلی کردن نیز نیست، انتقال مستقیم یک جانبه و اجباری ارزشها و مقررات نیست، یاد دادن نیست، اعمال نظر نیست، پیروی کورکورانه از ارزشها و نظرات درست و صحیح نیست، تربیت فریب دادن برای پذیرش پیام محقانه و تسلیم سازی در برابر فرامین نیست و در آخر تغییر طبایع نیست.

شناخت هدف های اساسی تعلیم و تربیت در حیطه حرفه ی معلمی

مهم این است که ما به عنوان معلم وظایف خود را بدانیم و هدف غایی تعلیم و تربیت را بشناسیم در این زمینه مطالبی چند را تیتروار عنوان می کنم:

۱-تربیت انسان خالق: در همه ی انسانها استعداد اندیشیدن وجود دارد اما پرورش دادن آن به زمینه و شرایط مساعدی نیاز دارد معلم برای فراهم کردن این شرایط نقش بیشتری ایفا می کند حفظ کردن مطالب و پرکردن ذهن از اطلاعات و مطالب پراکنده تأثیری در شخصیت انسان ندارد. بلکه باید به افراد روش یاد بدهید اگر محتوا را به طور آماده در اختیار او قرار دهید



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تالش و فعالیت تربیتی را از او گرفته اید . معلم باید سعی کند با ایجاد زمینه های یادگیری و فرصت های مناسب برای فعالیتهای تربیتی اقدام نماید

۲- تربیت انسان علمی: روش علمی به این معناست که فرد مسئله یاب باشد و به طور مداوم مسایل مناسب و مربوط به پیرامون خود را شناسایی کند و حدود آن را برای خود مشخص سازد زیرا شناخت مسئله مقدم بر حل آن است . معلم می تواند موضوعاتی مناسب با شرایط سنی دانش آموزان تعیین کند و آنان را در گروه های مختلف سازمان دهی کند و هر گروهی را به بررسی موضوعی موظف سازند . که البته شرط اساسی برای تربیت انسان علمی توانایی خود معلم است . دیگر هماهنگی معلمین با یکدیگر در این سازماندهی است که اگر معلمی تقویت روشهای تحقیق را هدف اصلی خود قرار دهد ولی معلمان دیگر چنین نکنند هدف به طور مطلوب حاصل نمی شود.

۳- پرورش انسان مهذب: انسان مهذب انسان خداجویست که از زشتی ها و گناهان پرهیز کند . تهذیب نفس مسئله اساسی زندگی است و غفلت از آن باعث سقوط و بدبختی می شود . در تعلیم و تربیت باید تالش کرد که فرد با روحیه ای حساس نسبت به انجام دادن دستورهای الهی و پرهیز از گناهان تربیت شود . از کارهای معلم در این زمینه آگاه کردن دانش آموز از رابطه ی فرد با خداست و همچنین رفتار خود معلم مبین تهذیب نفس خواهد بود وقتی که وجود معلم جلوه ای از خداپرستی شد این جلوه به طور طبیعی به کودک انتقال می یابد و او را هم به خداپرستی وامی دارد.

۴- . پرورش انسان مسئول: معلم می تواند در تعدیل فردیت دانش آموزان و تقویت گرایش های اجتماعی و ایجاد حس مسئولیت در آنها تاثیر زیادی داشته باشد . زیرا مؤثرترین عامل در مسئول بار آوردن کودک ، عمل مسئولانه خود معلم است وقتی معلم رفتار مسئولانه داشته باشد مسئولیت شناسی را به دانش آموز نیز منتقل کند.

## نتیجه گیری

در بحث فرهنگ سازی و تداوم و پیشرفت تمامی فرهنگ ها و کشور های جهان شاید مهمترین اصل و کاربردی ترین مقوله، مقوله تعلیم و تربیت است.

جامعه ای که فقط تکیه بر دانش و عمل نخبگان دارد و به واسطه عمل و دانش و تعهد نخبگانش جلو می رود و به واسطه تعلیم و تربیت عموم مردم در در تمامی مباحث سیاسی فرهنگی اقتصادی و... شراکت نمی دهد محکوم به نابودیست و قطعا روزی که سرمایه های اصلی کشورش یعنی نخبگان از دنیا می روند .دانش مهارت و تخصص آنها راهم به خاک می سپارد. بنا برین ابتدا شناخت چپستی و چرایی تعلیم و تربیت تاریخچه و کاربرد آن نقش مهمی در تداوم حیاتش دارد و تکیه بر نقاط قوت و سعی در حل چاش ها و مشکلات تعلیم و تربیت ارمغان خوبی را به جامعه خود تقدیم می کند.

## تشکر و قدردانی

تشکر از اساتید گرانقدر دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه که مارا در این امر همراهی کردند.

## مراجع

<https://salameno.ir/detail/۳۶۴۹۴۷.۱> سلام نو



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

AA-/.۸D/.۷A/.۸A%D۸/.۹D/.۸۴/.۹D/.۹/%DA%A۱۳۷۴۳۴https://rasekhood.net/article/show/.۲  
-۸۵/.۹A%D۸/.۹D/.۸۴/.۹D/.۹B/.۸AA%D/.۸-%D۸۵/.۹D/.۸۸/.۹D/.۸۷/.۹D/.۸۱/.۹D/.۸۵/.۹-%D۸۸/.۹%D  
AA/.۸A%D۸/.۹D/.۸A/.۸D/.۱B/.۸AA%D/.۸-%D۸۸/.۹%D  
راسخون

۳. مقاله دکتر احمد به پژوه استاد دانشگاه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
۴. مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش سال اول، شماره ۳، شهریور ۹۳۱۷